

فصلنامه حقوق اداری

سال دوازدهم، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۴۱

مقاله علمی پژوهشی

بررسی تغییرات و نوآوری‌های سند پیمان طراحی و مهندسی، تامین مصالح و تجهیزات، ساختمان و نصب برای کارهای صنعتی^۱ در صنعت نفت با تاکید بر حفظ منافع کارفرما

محمد رضا افشاری^۲؛ فاطمه جهانزاده^۳؛ زهرا شریفی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

چکیده

امروزه غالب قراردادهای منعقد در صنعت نفت ایران به شکل پیمانکاری هستند؛ بدین معنا که کارفرما (طرف اول) که شخصیت حقوقی دولتی است، انجام خدمات یا خرید کالایی را در قبال مبلغ و زمانی معین به پیمانکار (طرف دوم) محول می‌کند. اولاً به جهت اهمیت قراردادهای نفتی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و چه‌بسا، امنیتی و سیاسی کشور و ثانیاً به دلیل کثرت استفاده از این نوع قرارداد، معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت در سال ۱۳۹۸، طی تنظیم سندی، شرایط عمومی این‌گونه پیمان‌ها، تعهدات و مسئولیت‌های هر دو طرف پیمان را به‌صورت یکجا، مدون و آن را برای استفاده اختصاصی در صنعت نفت ارائه کرد. چهار سال بعد، اما به دلیل تغییرات شرایط حاکم بر بازارهای داخلی و خارجی و به‌جهت رفع نیازهای مقتضی این صنعت پیچیده و با بهره‌گیری از تجارب گذشته، شاهد تغییرات، اصلاحات و ابداعاتی در سند فوق‌الذکر هستیم. در نوشته پیش‌رو، اهم تفاوت‌ها و نوآوری‌های سند مصوب سال ۱۴۰۲^۵ از آن جهت که نفع یا حقی برای کارفرما ایجاد یا حقوق قبلی را شفاف یا تقویت کرده‌است، با رویکرد توصیفی-تحلیلی بحث و بررسی شده است. نتیجه تحقیق، نشانگر تحکیم جایگاه کارفرما و اهمیت حفظ منافع وی بیش از پیش در تمام مراحل قرارداد از آغاز تا پایان آن نسبت به سند قبلی است.

کلیدواژه‌ها: ابداعات، اصلاحات، کارفرما، پیمانکار، پیمان همسان EPC.

۱- EPC : Engineering, Procurement and Construction

۲- استادیار دانشکده نفت تهران - دانشگاه صنعت نفت m.afshari@put.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشگاه صنعت نفت تهران، تهران: ایران (نویسنده مسئول)
f.jahanzadeh@tfp.put.ac.ir

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشگاه صنعت نفت تهران، تهران: ایران.

۵- قابل ذکر است که سند ابلاغی سال ۱۴۰۲ در تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ بدون اعمال تغییرات توسط وزیر محترم نفت به شرکت‌های اصلی و فرعی وزارت نفت ابلاغ گردید.

مقدمه

بدیهی است طرفی که قدرت چانه‌زنی بیشتری در زمان انعقاد قرارداد دارد، برای حفظ منافع خود از این قدرت، استفاده یا سوءاستفاده کرده و تاحد ممکن، تدابیری را اتخاذ کند که این منافع، بدون کمترین ریسک و بروز اختلاف از ابتدا تا پایان قرارداد تامین گردد. اگر عموماً قرارداد به قصد تامین و حفاظت از حقوق یک‌طرف از قبل نوشته شده و طرف دوم، صرفاً در محدود مواردی، حق اظهارنظر داشته باشد، مرزهای چانه‌زنی درنور دیده شده و به‌نوعی، شاهد اعمال یک‌جانبه اقتدار به نفع یک‌طرف هستیم. اگرچه، این شیوه عمل با انصاف و نظریه قرارداد برد-برد تا حدودی فاصله دارد؛ ولی هنگامی که بستر اجرای آن، منافع عمومی و امور مربوط به زیرساخت‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری باشد که باتوجه به نقش عمده و تاثیرگذار صنعت نفت در اقتصاد کشورمان، قراردادهای این حوزه عمدتاً از این دست هستند، این ذهنیت منفی تا حدی فروکش کرده و ایجاد خطوط قرمز و اختیارات بیشتر برای حفظ منافع عموم جامعه که هزینه قرارداد به نحوی از منابع متعلق به آن‌ها و بیت‌المال تامین می‌گردد، غیرمنطقی به‌نظر نمی‌رسد.

پروژه‌های صنعت نفت و گاز چه در بالادست و چه پایین‌دست، به وسعت و تنوع شرح کار مشهورند. هیچ پیمانکاری قادر نیست که تمام فعالیت‌های پروژه را به‌تنهایی یا حتی با کمک شرکت‌های فرعی خود پیش‌ببرد. ناگزیر، پروژه به بخش‌های مختلف تقسیم‌شده و هر بخش معمولاً در قالب قراردادهای EPC به پیمانکاران جزء واگذار می‌گردد. مثلاً درخصوص توسعه میدان نفتی ممکن است بخش حفاری، خطوط لوله جریانی، احداث تفکیک‌گر و دیگر مخازن، پمپ‌های انتقال نفت و قسمت سیویل، هرکدام به یک پیمانکار مجزا که در اجرای آن بخش، تخصص و سابقه دارد، داده شود. این قراردادها برای پروژه‌هایی مناسب است که در آن، کارفرما مایل است تا ریسک‌های افزایش قیمت، افزایش زمان و کیفیت اجرای پروژه را به پیمانکار منتقل نماید (بهادری، ۱۳۹۸، ۱۰ و ۱۳)؛ بنابراین، کارفرما مبلغ بیشتری را برای انجام این قراردادها به منظور انتقال ریسک به پیمانکار خواهد پرداخت.

در راستای اهمیت و کثرت استفاده از قراردادهای EPC در صنعت نفت، در سند همسان مربوط به شرایط عمومی پیمان‌های EPC ابلاغی سال ۱۴۰۲ سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نفت برای استفاده در انعقاد قراردادهای پیمانکاری^۱، شاهد اعمال تغییرات و نوآوری‌هایی^۲ برای تقویت منافع کارفرما و درواقع، منافع عموم جامعه هم از حیث حسن پیشرفت و نظارت بر اجرای پروژه و هم از حیث نحوه هزینه‌کرد وجوه عمومی و پاسخگویی طرف دیگر هستیم. در نگاهی جامع، نویسندگان سعی کرده‌اند ابتدا با جستجو در متن شرایط عمومی و مقایسه آن با نمونه سابق، هر تغییر یا نوآوری را که به‌نحوی تامین‌کننده منافع کارفرما در اجرای قرارداد است را استخراج کنند، سپس این موارد را به اقتضای گنجایش بحث در بستر صنعت نفت و گاز تحلیل نمایند و در آخر نیز به‌طور منصفانه در مورد اثر این تغییرات و نوآوری‌ها بر حسن اجرا و ادامه قرارداد، نکاتی را بیان کنند.

برای نظم‌دادن به مطالب برای درک و تحلیل بهتر، آنچه در این سند برای تامین منافع کارفرما بیان شده‌است، ذیل دو عنوان کلی تغییرات و نوآوری‌ها بررسی می‌شود. منظور از تغییرات، مواردی است که در سند قبلی وجود داشته، اما در شرایط عمومی سال ۱۴۰۲، به‌نحوی دستخوش دگرگونی شده و مواردی به آن اضافه یا از آن کم شده یا رفع ابهام‌گردیده یا کلا حذف شده و یا رویکرد طراحان از نظر جایگاه بیان و اهمیت موضوع تغییر کرده است. حال آنکه، منظور از نوآوری‌ها؛ مواردی است که برای اولین بار در سند مورد مطالعه پیش‌بینی شده‌اند. این نوآوری‌ها در دو قالب نوآوری‌های بنیادی و اثرگذار بر تمام سند و نوآوری‌های جزئی و موردی بررسی خواهند شد.

۱ - در شرکت‌های اصلی و فرعی تابعه بدون ایجاد هرگونه تغییر در آن‌ها

۲ - ایجاد تغییرات و به‌روز کردن اسناد همسان، امری معمول در سطح بین‌المللی است؛ همان‌گونه که نسخه اولیه نمونه قرارداد EPC/Turnkey فیدیک در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید و در سال ۲۰۱۷، شاهد انتشار نسخه به‌روز و ویرایش شده آن هستیم. در مقدمه فیدیک ۲۰۱۷ به برخی از این تغییرات به‌طور مثال اشاره شده است:

- ۱- greater detail and clarity on the requirements for notices and other communications;
- ۲- provisions to address Employers' and Contractors' claims treated equally and separated from disputes;
- ۳-mechanisms for dispute avoidance and
- ۴-detailed provisions for quality management, and verification of Contractor's contractual compliance. (FIDIC, ۲۰۱۷, ۸)

اصلاحات به نفع کارفرما در سند همسان EPC ۱۴۰۲^۱

این بخش از نوشتار ذیل دو مبحث «اصلاحات مربوط به افزایش اختیارات یا کاهش محدودیت‌های کارفرما» و «اصلاحات مربوط به رفع ابهام، تفکیک و تعیین دقیق‌تر تعهدات» ارائه می‌گردد.

اصلاحات مربوط به افزایش اختیارات یا کاهش محدودیت‌های کارفرما

۱. اصلاح مرتبط با تعلیق کارها

ماده ۶۵، شرایط عمومی EPC ۱۴۰۲ درمورد تعلیق کارها است. طبق بند ۱-۶۵-۱، کارفرما حق صدور دستور تعلیق قسمتی از کار یا تمام کار را در دو نوبت که مجموعاً حداکثر تا ۹۱ روز است، دارد. در سند قبلی، این امکان در یک نوبت حداکثر ۹۰ روزه پیش‌بینی شده بود. افزایش یک‌روزه مهلت تعلیق و افزایش تعداد دفعات انجام آن، تغییری به نفع کارفرما محسوب می‌شود. همچنین از تغییرات دیگر این ماده نسبت به سند قبلی این است که اگر کارفرما ابتدائاً دستور تعلیق کمتر از ۹۱ روز را داد، بعداً می‌تواند این مدت را تا ۹۱ روز راساً تمدید نماید. به علاوه، در صورت موافقت پیمانکار، امکان تمدید مهلت تعلیق بیشتر از ۹۱ روز نیز وجود دارد. شایان ذکر است مفهوم حقوقی تعلیق در قراردادهای پیمانکاری با مفهوم معمول این نهاد حقوقی متفاوت است. طبق ماده ۱۸۹ قانون مدنی: «عقد منجز آن است که تاثیر آن برحسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد، والا معلق خواهد بود.» به‌طور کلی، تعلیق قرارداد به معنای معلق کردن اثر و منشا عقد بر امری است. عقد معلق از لحاظ انشاء تفاوتی با دیگر عقود ندارد و وجود تعهد است که در این‌گونه قراردادهای معلق بر امری خارجی می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۳۷)؛ اما در سند، شرایط عمومی پیمان اثر و منشا عقد بر امری دیگر معلق نشده است و پیمانکار درمقابل کارفرما، متعهد به اجرای موضوع پیمان به صورت منجز است؛ ولی به کارفرما اختیار متوقف کردن موضوع پیمان برای زمان محدودی داده شده است (زبیدی، ۱۳۹۸: ۱۶۷). به‌طور کلی، تعلیق در قراردادهای پیمانکاری به این معناست که یکی از طرفین قرارداد که معمولاً کارفرما است، توانایی تعلیق کلی

۱ - از آنجایی که تمرکز تحقیق حاضر بر روی متن شرایط عمومی پیمان همسان EPC ابلاغی ۱۴۰۲ وزارت نفت است، عبارات «سند ۱۴۰۲»، «EPC ۱۴۰۲» و «شرایط عمومی ۱۴۰۲» جهت اختصار و اجتناب از تکرار عنوان طولانی سند، در قسمت‌های مختلف متن به کار رفته و همگی ناظر به یک سند می‌باشند.

یا جزئی اجرای کار یا ایفای تعهدات موضوع قرارداد توسط طرف مقابل را داشته باشد. تعلیق توسط یکی از طرفین قرارداد و بنابر مصلحت وی ایجاد شده و از بین می‌رود. به عبارت دیگر، برخلاف مفهوم عقد معلق در قانون مدنی، موضوع تعلیق قرارداد پیمانکاری، تعلیق در منشاء و اثر قرارداد نیست؛ بلکه توقف اختیاری اجرای تعهد قراردادی برای زمان مشخص است (متولی و کافتری، ۱۳۹۹: ۴۵۰).

۲. اصلاح مرتبط با معرفی نماینده کارفرما

بر اساس ماده ۳۹-۱ شرایط عمومی سند ۱۴۰۲، کارفرما فرصت دارد تا یک‌روز مانده به شروع کار، نماینده خود را به پیمانکار معرفی نماید؛ درحالی‌که در ماده ۲۵ سند قدیم، این زمان محدود به ۱۵ روز بعد از تاریخ نافذشدن پیمان بوده است. درواقع، بند مربوط در این سند، مدت زمان انتخاب و اعلام نماینده توسط کارفرما را بیشتر می‌کند که بر اختیارات وی می‌افزاید.

۳. اصلاح مرتبط با تضامین پیمانکار

اگرچه دو مفهوم تضمین و بیمه، مفاهیمی جداگانه و متفاوت هستند؛ اما شباهت‌های بسیاری نیز وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان از قرارداد تضمین مسئولیت به «پیمان‌های شبه‌بیمه» تعبیر کرد (ایزانلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰). ماده ۷ سند قدیم در بحث تضامین^۱، مدت زمانی ۳ ماهه برای اعتبار ضمانت‌نامه ارائه‌شده پس از تحویل موقت یا هر زمان دیگری که در شرایط خصوصی توافق و درج گردیده باشد، قائل شده‌است؛ ولی در ماده ۱۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، مدت زمان اعتبار تضامین به یک سال افزایش یافته‌است که مشخصاً حدود اختیارات کارفرما را گسترده‌تر کرده است. همچنین در ماده ۷ سند قدیم مربوط به تضامین، سقفی برای پیمانکار به جهت دادن تضمین در نظر گرفته شده است که ۵۰ درصد مبلغ اولیه پیمان را شامل می‌شود؛ اما در ماده ۱۳ از

۱ - تضمین به معنای سپردن مال یا وجه نقد یا به عهده گرفتن تعهد فرعی یا مضاعف به منظور پابندی به یک تعهد اصلی و شروط مربوط به آن است و هدف از ارائه تضمین، جلوگیری از ورود خسارت به کارفرما در صورت نقض تعهدات قراردادی پیمانکار است (کاظمی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ که اکنون ملاک عمل است^۱ به وضوح می بینیم که سقف مبلغی برای پیمانکار حذف شده است. از آنجا که تضمین ها انواع متفاوتی دارند و حسب مورد شخص ثالث یا خود پیمانکار در صورت نقض تعهدات قراردادی به موجب این تضمین مسئول خواهد بود. براین اساس، همه تضمین های پیمانکاری، نوعی ضمان وثیقه ای بوده است (کاظمی نجف آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). در نتیجه، افزایش مبلغ تضمین یا به عبارت دیگر حذف سقف موجود در سند قبلی به روشنی به نفع کارفرمایی است که حقی وثیقه ای و ممتاز دارد و در صورت هرگونه نقض عهده، فوری بدین وسیله خسارات وارد آمده به خود را جبران خواهد کرد.

۴. اصلاح مرتبط با کسورات پرداخت پیمانکار

اصلاح دیگر در مورد کسورات پرداخت های پیمانکار، افزایش موارد و دلایل کسر در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ است. مواردی از قبیل: مالیات پیمان، کلیه خسارات و جرایم مطابق پیمان، کلیه پرداخت ها به پیمانکار که به اشتباه صورت گرفته است و هزینه کارهای انجام شده توسط کارفرما که در زمره تعهدات پیمانکار است، به علاوه بالاسری مربوط، در سند قبلی سابقه نداشته و در جهت حفظ منافع کارفرما ذکر شده اند.

۵. اصلاح مرتبط با تشریفات فسخ پیمان توسط پیمانکار

در بند ۶۹-۲ شرایط عمومی سند سال ۱۴۰۲ به تشریفات فسخ پیمان توسط پیمانکار موارد جدیدی افزوده شده که در سند قبلی وجود نداشت، از جمله افزایش مهلت توافق پیمانکار و کارفرما در مورد عدم فسخ پیمان از ۱۵ به ۲۱ روز. علاوه بر آن، در صورت عدم توافق برخلاف سند قبل در همان لحظه به پیمان خاتمه داده نمی شود و موضوع به کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف^۲ ارجاع داده می شود. در نهایت، «چنانچه بنابر تشخیص کمیته مذکور، نقض

۱- پیش از امضای پیمان، به منظور تضمین انجام تعهدات مندرج در پیمان، پیمانکار باید تضمینی مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴ تهیه و تسلیم کارفرما نماید. این تضمین باید تا یک سال پس از تحویل موقت یا زمان پیش بینی شده در شرایط خصوصی، معتبر باشد.

۲ - کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف که به واسطه ماده ۷۵ شرایط عمومی پیمان EPC در سال ۱۴۰۲ ایجاد گردیده، مرحله ای جدید به سازوکار حل اختلاف پیمان EPC صنعت نفت اضافه کرده است. این مرحله بعد از مذاکره و قبل

تعهد کارفرما محرز اعلام شود، پیمانکار می‌تواند پیمان را خاتمه دهد»، پیش‌بینی این مراحل به سود کارفرما بوده و از فسخ پیمان با اراده صرف پیمانکار بدون ارجاع به یک مرجع تصمیم‌گیری مورد توافق طرفین جلوگیری می‌نماید.

۶. اصلاح مرتبط با موارد فسخ پیمان توسط کارفرما

شرایطی که به کارفرما این اختیار را می‌دهد تا قرارداد را به دلیل تقصیر پیمانکار فسخ نماید، در پروژه‌های مختلف، بسیار متنوع هست و تاحد زیادی به موضوع هر پروژه اعم از بالادستی یا پایین‌دستی ارتباط دارد (۷۸، ۲۰۱۱، Pritchard). در ماده ۶۸ شرایط عمومی پیمان همسان ۱۴۰۲ با موضوع فسخ پیمان توسط کارفرما ناشی از نقض تعهدات پیمانکار، کارگروه بازنگری در بند ۶۸-۱، موارد اختیاری و اجباری فسخ پیمان توسط کارفرما را برشمرده‌است. از موارد نوآوری این سند می‌توان به بند ۵ این ماده اشاره کرد که در آن، تأخیر بیش از ۲۸ روز در تحویل‌گرفتن زمین توسط پیمانکار را از موارد اختیاری فسخ پیمان دانسته است؛ همچنین، در مورد ۷ این ماده برخلاف مورد مشابه در سند قبلی که فقط ورشکستگی شرکت پیمانکار را از موارد فسخ اختیاری پیمان می‌دانست، موارد مقدماتی مانند طرح دعوی ورشکستگی در محاکم قضایی، صدور حکم ورشکستگی یا توقیف ماشین‌آلات و ابزارآلات پیمانکار از سوی مراجع ذیصلاح به‌نحوی که موجب توقف و یا کندی پیشرفت کار شود را نیز از موارد فسخ اختیاری می‌شمارد؛ همچنین، در مورد ۱۱ این ماده، هرگاه کارفرما پس از امضای پیمان تا تحویل موقت، مشمول قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، مصوب بیست و دوم دی ماه ۱۳۳۷ شود، ولی پیمانکار علی‌رغم اطلاع از موضوع، عمداً مراتب را به کارفرما اعلام ننماید، کارفرما ملزم به فسخ قرارداد است.

از مراجعه به هیئت حل اختلاف دستگاه مرکزی کارفرما و داوری مندرج در سند همسان جایابی شده و وجه تمایز آن از سایر روش‌های حل اختلاف، پیشگیری از اختلاف و شروع فعالیت اعضای آن قبل از بروز اختلاف و از ابتدای پیمان است.

۷. اصلاح مرتبط با خاتمه پیمان

موضوع خاتمه پیمان در قراردادهای پیمانکاری، به عنوان یکی از طرق انحلال قراردادهای پیمانکاری محسوب می شود و ماهیت آن با معنای عرفی خاتمه قرارداد که شامل مواردی مانند: فسخ، انفساخ، اقاله، ابطال، ایفای تعهد، اجرای تعهد و مواردی از این دست می گردد، متفاوت است. خاتمه قراردادهای پیمانکاری از جهت وابستگی آن به تصمیم کارفرما، بدون آنکه قصوری متوجه پیمانکار باشد و صرفاً بنابه مصلحت کارفرما، بسیار شبیه به نهاد حقوقی فسخ در صورت وجود خيار شرط است. به طور کلی، در باب تفاوت ماهیت فسخ و خاتمه ذکر شده در شرایط عمومی پیمانکار، می توان گفت که چنانچه قصور در ایفای تعهدات ناشی از فعل یا ترک فعل پیمانکار باشد، این امر مشمول فسخ قرارداد قرار گرفته و اگر تخطی از جانب پیمانکار صورت نگرفته و کارفرما بنابر مصلحت خود تصمیم به اتمام پیمان بگیرد، عنوان خاتمه قرارداد پیمانکاری بر عمل وی صدق می نماید (گلانتوچی و جعفرپور، ۱۴۰۲: ۶). در ماده ۶۷ شرایط عمومی پیمان همسان ۱۴۰۲، کارفرما می تواند بنابه مصلحت خود و بدون اعلام دلیل، در هر مقطعی پیش از تکمیل کار، پیمان را خاتمه دهد. در سند قبلی ذکر شده بود که کارفرما نباید به قصد انجام کار راساً یا توسط پیمانکار دیگر، براساس مفاد این ماده به پیمان خاتمه پیمان دهد که این مطلب در شرایط عمومی مذکور حذف شده است و کارفرما می تواند با هرگونه قصد و نیتی، اقدام به خاتمه پیش از موعد کار کند. این مساله دست کارفرما را در انجام کار به صورت راساً یا تحویل کار به پیمانکار دیگر باز گذاشته و به نفع کارفرما است؛ اگرچه از منظر تحمیل ریسک های ناشی از خاتمه پیمان به پیمانکار و عدم پیش بینی مسئولیت کارفرما در جهت جبران خساراتی که به پیمانکار تحمیل می شود، از جمله موارد توزیع قراردادی یک جانبه و غیرمنصفانه ریسک ها به شمار می آید (سلیمی، ۱۴۰۲: ۱۳۲).

۸. اصلاح مرتبط با خسارات ناشی از تاخیر پرداخت به پیمانکار

در مورد خسارت ناشی از تاخیر پرداخت صورت وضعیت ها به پیمانکار نیز بین دو سند تفاوت وجود دارد. در سند قبلی، اولاً، میزان جبران خسارت به شرایط خصوصی واگذار شده است؛ ثانیاً، در موارد سکوت در شرایط خصوصی، این مبلغ معادل سود سپرده بلندمدت بانکی اعلامی بانک

مرکزی به تناسب زمان تاخیر و مبلغ صورت وضعیت مورد تایید کارفرماست. در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲، اولاً صحبتی از شرایط خصوصی نیست؛ ثانیاً، به تناسب مدت تاخیر در پرداخت‌های مربوط، مبلغی به‌منظور جبران خسارت ناشی از تاخیر در پرداخت، براساس تغییر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی اعلامی از سوی مرجع ذیصلاح و با رعایت دستورالعمل مندرج در بخش ۱-۵ پیوست شماره ۵ پیمان، محاسبه شده و به وی پرداخت می‌شود. این سند محاسبه مبلغ خسارت به‌نوعی شناور و بسته به تغییر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در نظر می‌گیرد که ممکن است حالتی پیش‌آید که با وجود تاخیر کارفرما در پرداخت، اما به دلیل عدم تغییر شاخص، مبلغی به پیمانکار تعلق نگیرد؛ در صورتی که مطابق سند قبلی، به هر حال با صرف تاخیر، مبلغی معادل سود سپرده بلندمدت بانکی به وی تعلق می‌گیرد.

اصلاحات مربوط به رفع ابهام، تفکیک و تعیین دقیق تر تعهدات

۱. تعیین دقیق میزان هزینه کارهای انجام شده توسط کارفرما و مهلت پرداخت آن

طبق بند ۴-۶۱، شرایط مذکور که تا حدی مشابه نظیر آن در سند قبلی است: «هرگاه پیمانکار پس از ابلاغ دستور کارفرما مبنی بر رفع عیب و نقص کارها، طی مدت معقولی نسبت به رفع آنها اقدام نکند و یا در عمل نتواند عیوب و نواقص را به‌نحوی صحیح رفع کند، کارفرما می‌تواند رأساً اقدام به رفع آن‌ها بنماید. در این صورت، پیمانکار موظف است ماشین‌آلات و ابزارآلات و مصالح و تجهیزات موجود در انبارهای خود را در اختیار کارفرما بگذارد.» اما تفاوت این ماده با سند قبل در برآورد هزینه‌های انجام شده توسط کارفرما و مسئولیت پیمانکار در بازپرداخت این هزینه‌هاست. در سند قبلی، هزینه‌های انجام شده به‌وسیله کارفرما، با احتساب هزینه‌های نیروهای غیرمستقیم و بالاسری‌های مربوط، به حساب بدهکاری پیمانکار منظور می‌شد که در محاسبه این هزینه‌ها و ملاک تعیین هزینه‌های بالاسری و مهلت پرداخت آن، امکان اختلاف وجود داشت؛ اما براساس ماده جدید «پس از رفع عیب و نقص، پیمانکار باید هزینه‌های انجام شده از سوی کارفرما را با لحاظ بالاسری به میزان ۱۵ درصد، حداکثر ظرف مدت ۲۸ روز از تاریخ ابلاغ به وی، پرداخت نماید؛ در غیر این صورت، کارفرما حق دارد بدون نیاز به انجام تشریفات قضایی یا اخذ مجوز، طلب خود را بدون نیاز به مطالبه مجدد، از محل سپرده‌ها و تضمین‌های

پیمانکار و یا سایر مطالباتی که پیمانکار از کارفرما دارد، وصول نماید. اگر مبالغ آن‌ها تکافو نکند، موضوع از مراجع قضایی پیگیری خواهد شد.»؛ بنابراین، در شرایط عمومی پیمان همسان ۱۴۰۲، مسئولیت پیمانکار در پرداخت هزینه‌های انجام‌شده توسط کارفرما شفاف‌شده و علاوه بر آن، مهلت ۲۸ روزه‌ای نیز برای بازپرداخت هزینه‌ها منظور گردیده است؛ همچنین، ضمانت اجرای عدم این پرداخت هم به‌نحو شدیدی ذکر شده که به ضرر پیمانکار است و موجب افزایش مسئولیت وی می‌شود.

۲. تعیین محدود اختیارات نماینده کارفرما و عدم مسئولیت کارفرما نسبت به امور خارج از محدوده

مطابق با بند ۳۹-۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، اشخاص معرفی‌شده از طرف نماینده کارفرما، تنها در چهارچوب اطلاعیه صادرشده توسط نماینده اصلی، اختیار انجام وظایف را دارند. درواقع، طبق نص ماده «دستور، ابلاغیه و اقدام‌ها از طرف اشخاص معرفی‌شده توسط نماینده کارفرما، زمانی به منزله دستور، ابلاغیه و اقدام‌های کارفرما تلقی می‌شود که در محدوده اختیارات و وظایف آن‌ها که در اطلاعیه صادره از سوی نماینده کارفرما بیان شده است، باشد.» این موضوع به این شفافیت در ماده ۲۵ سند قدیم مطرح نشده‌است و حتی عبارت «هر نوع دستور، ابلاغیه و اقدام‌های فرد یا افراد یادشده، به منزله دستور، ابلاغیه و اقدام‌های مجری طرح تلقی می‌شود.» در تضاد با بیان جدید است؛ بنابراین، کارفرما وظیفه بررسی تمام دستورات و اقدامات افراد یادشده و انطباق آن‌ها را با اعلامیه معرفی، از وظایف پیمانکار دانسته و درصورت تعارض بین عملکرد افراد و اعلامیه، اعمال این افراد را منتسب به خود ندانسته و درنتیجه، در ارتباط با آن‌ها مسئولیتی نخواهد داشت.

۳. تعیین دقیق شرایط تمدید پیمان

به‌طورکلی، در قراردادهای EPC، عنصر زمان و تاریخ تکمیل پروژه آن دارای اهمیت قابل توجهی است. از این جهت باید وقایعی که تاریخ تکمیل پروژه را به‌تاخیر می‌اندازند و ضمانت اجرای تخلف از تحویل به‌موقع پروژه به‌درستی مشخص گردد؛ درغیراین‌صورت، منافع کارفرما به‌شدت به‌خطر خواهد افتاد. به‌عنوان مثال، در پروژه ساخت نیروگاه به روش BOT، هرنوع تاخیر

در تاریخ تکمیل پروژه، دوره باز یافت هزینه‌ها و سوددهی پروژه را به خطر انداخته و ممکن است با این روند در پایان دوره قراردادی، برخی هزینه‌های سرمایه‌گذاری بازپرداخت نشده و یا سود مدنظر از قرارداد حاصل نگردد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۱۱۲۱). در این خصوص، بند ۶۴-۱-۲، شرایط عمومی سند فوق‌الذکر درخصوص نحوه تمدید مدت پیمان با بند مشابه در سند قبلی، تفاوت‌های زیادی دارد؛ از جمله آنکه، به ذکر مهلت دقیق ۱۴ روزه برای پیمانکار جهت اطلاع هریک از شرایط پیش‌آمده به مشاور کارفرما (به جای خود کارفرما) و تعیین مهلت ۲۸ روزه پس از پایان شرایط مذکور، جهت درخواست تمدید مدت پیمان پرداخته است. تعیین این مهلت‌ها درواقع به نفع کارفرما هست، چراکه در سند قبلی، مهلت خاصی برای تسلیم درخواست تمدید مهلت پیمان ذکر نشده بود و پیمانکار می‌توانست از این خلاء قانونی استفاده کند و کارها را بیشتر از حد معمول به تاخیر بیندازد؛ اما در حال حاضر باید ظرف مهلت معین، درخواست تمدید را تسلیم کند و اگر فراتر از مهلت یادشده عمل کند، طبق تبصره ۱ این ماده «مدت پیمان در ارتباط با آن موضوع، تمدید نخواهد شد و کارفرما مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت، مگر آنکه دلایل دیرکرد پیمانکار در ارائه درخواست، مورد قبول کارفرما واقع شود.

۴. تعیین دقیق موارد رافع مسئولیت پیمانکار در دوره رفع نقص

ماده ۴۱، شرایط عمومی درخصوص دوره مسئولیت رفع نقص به ذکر دلایلی که پیمانکار قادر به استناد به آن‌ها جهت رفع مسئولیت از خود در دوران رفع نقص هست، پرداخته است. در ماده قبلی، این دلایل تصریح نشده بود، اما در شرایط عمومی سند ۱۴۰۲، این موارد به اسناد، مدارک فنی و دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری محدود شده است و پیمانکار نمی‌تواند به دلایل دیگری برای اثبات اینکه عیوب و نواقص ناشی از عملکرد وی نیست، استناد کند. این مساله، قدرت رفع مسئولیت پیمانکار از خود را محدود کرده و به نحوی به نفع کارفرماست؛ چراکه در صورت عدم توانایی پیمانکار بر اثبات اینکه عیوب و نواقص ناشی از نگهداری یا بهره‌برداری نادرست از کار توسط کارفرما بوده است، وی همچنان ملزم به رفع نقص و تحمل هزینه‌های مربوطه است.

۵. تعیین تکلیف هزینه آزمایش‌های اضافی با توجه به نتیجه آزمایش

یکی از تغییرات به جا و درواقع نوعی تفکیک درست مسئولیت در شرایط عمومی، سند مصوب ۱۴۰۲ درمورد هزینه آزمایش‌های اضافی درمورد بازرسی و کنترل کیفی کار است که کارفرما از پیمانکار، انجام آن‌ها را مطالبه می‌کند. براساس ماده ۳۱ سند قبلی، کارفرما موظف بود تا این هزینه‌ها را بی‌قید و شرط به پیمانکار بپردازد؛ ولی براساس بند ۲ ماده ۵۱، شرایط عمومی سند فوق‌الاشعار، کارفرما تنها درحالتی موظف به پرداخت این هزینه‌هاست که انجام آزمایش‌های اضافی نشان‌دهنده صحت و سلامت مورد آزمایش باشد، درغیراین‌صورت و با مشخص‌شدن عیب و نقص در انجام کارها به‌واسطه آزمایش‌های اضافی، کارفرما مسئولیتی در مورد پرداخت نخواهد داشت و ریسک آن برعهده پیمانکار است.

۶. تفکیک بین مسئولیت کارفرما نسبت به صحت اسناد تسلیمی از سوی وی

تفاوت مهمی در مورد مسئولیت صحت اسناد و مدارک تسلیمی از سوی کارفرما در دو سند وجود دارد. مطابق ماده ۲۷، سند قدیمی به طور مطلق «مسئولیت صحت و دقت اطلاعات و مدارک فنی که طبق پیوست‌های ۱۳ و ۱۸ در تعهد کارفرماست، به عهده وی است و هرگونه هزینه اضافی طولانی‌شدن کار و یا ضرر و زیان ناشی از عدم‌صحت یا دقت اطلاعات داده‌شده به پیمانکار، برعهده کارفرماست». حال آنکه ماده ۴۱ شرایط عمومی ۱۴۰۲، برای ایجاد این مسئولیت قائل به تفکیک بین دو زمان قبل و بعد از صحه‌گذاری اطلاعات و اسناد توسط پیمانکار است. درواقع، این سند، کارفرما را تا وقتی مسئول اطلاعات نادرست خود می‌داند که مهر تایید پیمانکار بر آن‌ها نخورده باشد و مطابق بند ۲ این ماده «پس از صحه‌گذاری اسناد و مدارک فنی پیمان توسط پیمانکار، صرفاً مسئولیت اسناد و مدارکی که مطابق بند ۷ شرایط عمومی از سوی پیمانکار نیاز به صحه‌گذاری نباشد، به عهده کارفرماست و هرگونه خسارت، هزینه اضافی وارده به پیمانکار و ایجاد تأخیر در اجرای پروژه ناشی از عدم‌صحت یا دقت اطلاعات داده‌شده به پیمانکار، متوجه کارفرما می‌باشد». این تغییر قطعاً به نفع کارفرماست و ریسک وی را در مورد مسئولیت ناشی از اطلاعات نادرست کاهش می‌دهد.

۷. تعیین مسئول جبران خسارت در فرض اختلاف بین پیمانکار و شرکت بیمه

از مهم‌ترین اصول اکثر نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی ما اصل «نسبی بودن قراردادها» به معنی تسری پیدا کردن آثار یک قرارداد صرفاً به طرفین آن قرارداد است. این مساله در ماده ۲۳۱ قانون مدنی^۱ نیز انعکاس یافته است. این نکته که حتی در صورت وجود اختلاف مابین طرفین عقد بیمه که عبارتند از: پیمانکار و شرکت بیمه‌گر نباید تعلل و تاخیری در پرداخت به کارفرما به وجود بیاید، به خوبی نشان دهنده این اصل مهم قراردادی است. در این رابطه می‌توان به بند ۳-۱۸ اشاره کرد^۲ که به موجب آن، مسئولیت پرداخت و جبران خسارات حتی در حالتی که اختلافی فی مابین پیمانکار به عنوان بیمه‌گذار و شرکت بیمه به عنوان بیمه‌گر باشد، به عهده پیمانکار گذاشته شده است.

۸. ارائه گزارش کامل تاثیر تغییرات کار توسط پیمانکار

یکی از وظایف پیمانکار در راستای تنظیم سند تغییر کار، ارائه گزارش تاثیر تغییرات در هزینه، مدت و کیفیت و ... به کارفرما ظرف ۱۴ روز است. این مورد در سند قبلی صرفاً در حد ارائه گزارش نسبت به هزینه و مدت بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی وجود داشت؛ بنابراین، تغییر سند ۱۴۰۲ را می‌توان افزایش دامنه تاثیر تغییرات بر انجام پروژه، آن هم به طور تمثیلی، نه احصائی دانست که نیاز به بررسی و اعلام نظر پیمانکار و متعاقباً افزایش تعهدات و ریسک وی را دارد. ثانیاً، پیمانکار جهت انجام این تعهد، محدودیت زمانی دارد.

ابداعات به نفع کارفرما در سند همسان EPC ۱۴۰۲

۱. نوآوری‌های مرتبط با مشاور کارفرما

ماده‌ای مستقل مربوط به «مشاور کارفرما» در ماده ۳۰ سند قدیم و ۵۰ شرایط عمومی ۱۴۰۲ وجود دارد. در سند قبلی، اختیار استفاده کارفرما از مشاور و الزام پیمانکار به هماهنگی و همکاری با وی به طور کلی بیان شده است. این کلی‌گویی، موجب بروز مشکلاتی در اجرای قرارداد شده

۱ - معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آن‌ها موثر است، مگر در مورد ماده ۱۹۶.

۲- پیمانکار نباید به موجب اختلاف بیمه‌گر با وی در خصوص موضوع بیمه‌نامه، جبران خسارت وارده در آن موضوع را تا زمان تعیین تکلیف اختلاف مذکور تعلیق نموده و جبران خسارت را موکول به پرداخت بیمه‌گر نماید.

است. درواقع، اگرچه فلسفه وجود مشاور و استفاده از وی، تسهیل در تصمیم‌گیری و اجرای امور تخصصی از یک طرف و فراغت کارفرما از انجام امور جزئی و غیرتخصصی و تمرکز بر اجرای وظایف اصلی از طرف دیگر است؛ اما اعطای اختیارات کلی و بی‌حدوحصر می‌تواند این هدف را نقض گرداند؛ بنابراین، در شرایط عمومی ۱۴۰۲، حدود و ثغور این اختیارات و محدودیت‌های آن با جزئیات بیشتری بیان شده است. ازجمله این جزئیات عبارتند از :

- ۱- امکان تفویض برخی از وظایف و اختیارات کارفرما مبنی بر تایید، تصویب یا اخذ تصمیم به مشاور و ضرورت ارجاع این امور به وی توسط پیمانکار
- ۲- تعیین نماینده توسط مشاور با تعیین حدود و وظایف آنها
- ۳- تصریح به عدم‌جواز مشاور نسبت به سلب یا کاهش مسئولیت پیمانکار در راستای اجرای تعهدات، تغییر در زمان و مبلغ پیمان و اسقاط یا کاهش حقوق کارفرما
- ۴- لزوم تایید نمایندگان مشاور توسط کارفرما و اعتبار دستورات آنها پس از تایید
- ۵- امکان اعتراض پیمانکار نسبت به تصمیمات و دستورهای نماینده مشاور کارفرما و اخذ تصمیم نهایی توسط مشاور کارفرما
- ۶- حفظ حق بررسی و نظارت برای مشاور کارفرما در صورت عدم‌اعتراض نماینده وی
- ۷- امکان تغییر مشاور در طول دوره اجرای پیمان توسط کارفرما
- ۸- امکان واگذاری خدمات بازرسی فنی به اشخاص یا موسسات فنی ذی‌صلاح توسط کارفرما زیر نظر مشاور کارفرما.

علاوه بر موارد فوق، در قسمت‌های مختلف شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ نیز اختیارات و وظایفی برای مشاور کارفرما در نظر گرفته شده است. در ادامه، به بیان چند مورد می‌پردازیم:

۱. طراحان سند موضوع تحقیق در ماده ۵۸ شرایط عمومی با موضوع تکمیل مکانیکی و پیش‌راه‌اندازی به ارتباط مستقیم پیمانکار با مشاور کارفرما به‌جای خود کارفرما اشاره کرده‌اند. برای مثال، در بند ۵۸-۱ سند به مسئولیت پیمانکار درخصوص اطلاع‌دادن آمادگی برای مرحله پیش‌راه‌اندازی و ارائه برنامه زمانی مربوط به انجام آزمایش‌ها و عملیات پیش‌راه‌اندازی به مشاور

کارفرما اشاره شده است؛ این در حالی است که در ماده ۳۸ سند قبلی، پیمانکار در این خصوص باید اطلاع‌رسانی در مورد برنامه زمانی آزمایش‌ها و عملیات پیش‌راه‌اندازی را به طرفیت خود کارفرما انجام می‌داد. به علاوه، در ادامه این بند این‌طور آمده است که «پیمانکار مکلف به درخواست حضور نمایندگان کارفرما و مشاور کارفرما در آزمایش‌ها و عملیات پیش‌راه‌اندازی است تا کارفرما به انجام تعهدات احتمالی خود در این باره بپردازد»؛ در حالی که در سند قبلی، این تکلیف بر عهده پیمانکار فقط محدود به درخواست حضور از نمایندگان کارفرما بود و شامل مشاور کارفرما نمی‌گردید؛ همچنین، حضور نماینده مشاور کارفرما برای نظارت بر انجام آزمایش‌ها به جای خود کارفرما مطابق مفاد این ماده کافی است.

۲. مورد بعدی، لزوم درخواست پیمانکار از مشاور کارفرما برای بازدید کامل از کارها و تهیه فهرست نواقص احتمالی کارها و ابلاغ آن به پیمانکار در طول اجرای پروژه طبق بند ۵۸-۲ است. به علاوه پس از ابلاغ، پیمانکار ملزم به رفع نواقص مورد تشخیص مشاور کارفرما و اعلام مراتب رفع نقص به مشاور کارفرما به جای خود کارفرما گردیده است. در بند ۲-۶۰، شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ به مرحله بعد از درخواست تحویل موقت پیمانکار از کارفرما اشاره شده است که همان لزوم بازدید از کارها و اطمینان از عدم وجود اشکال اساسی در کارها توسط مشاور کارفرماست. در این ماده، برخلاف ماده مشابه در سند قبلی که مسئولیت بازدید از کارها و سنجش آن بر عهده کارفرما بود، این وظیفه بر عهده مشاور کارفرما قرار داده شده است. طبق این ماده، «پس از انجام تعهدات پیمانکار و درخواست وی، مشاور کارفرما باید ظرف مدت ۲۸ روز از تاریخ وصول درخواست پیمانکار، پس از بازدید کامل کارها و اطمینان از عدم وجود اشکال و نواقصی که مانع از بهره‌برداری کامل کارها می‌شود و یا عدم وجود هرگونه مغایرت با الزامات و رویه‌های نظام مدیریت HSE کارفرما و نیز اطمینان از آماده‌بودن کار برای تحویل موقت، ضمن ارسال رونوشت به پیمانکار، مراتب را به کارفرما اعلام نماید»، طبق شرایط عمومی ۱۴۰۲، مشاور کارفرما باید در مهلت ۲۸ روزه، در محل پروژه حاضر شود و در صورت آماده‌بودن کار، آن را به کارفرما اطلاع‌دهد و در صورت آماده‌نبودن، دلایل آماده‌نبودن کار برای تحویل موقت را به پیمانکار اعلام نماید و پیمانکار موظف به رفع نواقص کار، طبق برنامه زمانی توافقی است؛

همچنین، ذکر مهلت مشاور کارفرما برای اعلام نظر که مهلت ۲۸ روزه جهت حضور در محل پروژه و بررسی کارها برای اطمینان از آمادگی کار جهت تحویل موقت است، از دیگر موارد نوآوری شرایط عمومی پیمان و به سود کارفرما هست؛ چراکه در سند قبلی، مهلتی برای بازرسی از کارها و اطمینان از آماده بودن کار برای تحویل موقت ذکر نشده بود. نکته قابل توجه در این ماده، ذکر مواردی است که در اعلام تایید مشاور کارفرما برای تحویل موقت موثر است. ذکر مواردی مانند بررسی عدم وجود اشکال و نواقصی که مانع از بهره برداری کامل کارها می شود و یا عدم وجود هرگونه مغایرت با الزامات و رویه های نظام مدیریت HSE کارفرما، از نکات تاثیرگذاری در ماده جدید است که بررسی دقیق این موارد، درواقع به نفع کارفرماست؛ زیرا بر بار مسئولیت پیمانکار افزوده و او را ملزم به رعایت موارد گفته شده می کند.

۳. بند ۲-۶۲ شرایط عمومی سند موضوع این پژوهش چنین مقرر می دارد: «پس از انجام اقدامات بند ۱-۶۲، کارفرما و مشاور کارفرما، آزمایش ها و بازدیدهای مربوط را انجام داده و پس از حصول اطمینان نسبت به آمادگی کار برای انجام تحویل قطعی، کارفرما باید تاریخ حضور نمایندگان کارفرما، مشاور کارفرما و پیمانکار را جهت تحویل قطعی به پیمانکار اعلام نماید. تاریخ تحویل قطعی باید پس از پایان دوره مسئولیت رفع نقص کلیه کارها بوده و حداکثر ظرف ۲۸ روز پس از درخواست پیمانکار (موضوع بند ۱-۶۲) باشد.» طبق این بند، برای انجام مرحله تحویل قطعی، حضور هیأت سه نفره متشکل از نمایندگان کارفرما، مشاور وی و پیمانکار الزامی است. این مساله درواقع به نفع کارفرماست تا درصورت مشاهده عیب و نقص در کارها، اقدامات مقتضی را طبق بند ۶۲-۳ انجام دهد؛ یعنی مراتب را به پیمانکار ابلاغ کند تا پس از رفع نواقص، تحویل قطعی انجام شود.

۴. در بند ۵۸-۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، یک مورد جدید پیش بینی شده است که مربوط به در نظر گرفتن مهلت هفت روزه برای مشاور کارفرما جهت اعلام تایید یا عدم تایید رفع صحیح نواقص و آماده بودن کار برای پیش راه اندازی توسط پیمانکار است. در صورتی که در ماده ۳۸ سند قبلی، فقط به حالت تایید کارفرما درخصوص رفع نواقص اشاره شده بود و هیچ گونه مهلت مشخص و ضمانت اجرایی برای عدم تایید طرف قرارداد اعم از کارفرما یا مشاور آن پیش بینی

نگردیده بود. در سند ۱۴۰۲، به این ضمانت اجرا توجه شده است و در صورت عدم تایید مشاور کارفرما، پیمانکار مکلف به اعلام دلایل عدم آماده بودن کار جهت پیش راه اندازی به مشاور کارفرما هست و دوباره ملزم به رفع نواقص طبق برنامه زمانی مورد تایید مشاور کارفرما می شود. پیش بینی مهلت معین برای مشاور کارفرما جهت اعلام تایید یا عدم تایید وی، از موارد به سود طرف اول قرارداد یعنی کارفرماست؛ همچنین، پیش بینی ضمانت اجرای مربوطه نیز وزنه قرارداد را به سود کارفرما سنگین می نماید. شروع عملیات پیش راه اندازی نیز طبق این بند باید با حضور مشاور کارفرما و نمایندگان کارفرما صورت پذیرد، درحالی که در ماده ۳۸ سند قبلی، فقط حضور نمایندگان کارفرما پیش بینی شده بود.

۵. مطابق اجزای ۳ و ۴ قسمت ۲ ماده ۵۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، پیمانکار باید صورت وضعیت ماهانه خود را ابتدا برای مشاور کارفرما ارسال کند. مشاور، فرصت ۱۴ روزه برای بررسی دارد و در صورت عدم تایید مشاور، با ذکر دلایل صورت وضعیت را به پیمانکار برمی گرداند. پس از اصلاح توسط پیمانکار، مشاور باید ظرف ۷ روز، نظر خود در مورد صورت وضعیت را برای کارفرما ارسال کند. در صورت عدم رعایت مهلت های مشخص شده توسط مشاور، پیمانکار می تواند مستقیم صورت وضعیت را به کارفرما ارسال کند. اضافه شدن بررسی و اخذ تاییدیه توسط مشاور کارفرما از جمله موارد جدید در شرایط عمومی است که به نفع کارفرما و به نوعی در سناریوی منفی به ضرر پیمانکار به دلیل به تاخیر افتادن دریافت مطالباتش می شود. مانند هر موضوع مهمی که در سند ۱۴۰۲ نیاز به بررسی و تایید مشاور کارفرما داشته، پرداخت صورت وضعیت قطعی توسط کارفرما نیز نیازمند این تایید است. اولین نکته در ارتباط با ورود مشاور به این موضوع، طولانی شدن روند پرداخت حساب های پیمانکار است چه در حالتی که اختلافی بین پیمانکار و مشاور باشد و چه نباشد؛ همچنین، در نسخه جدید، حالتی در نظر گرفته شده که پیمانکار صورت وضعیت قطعی خود را ارائه نمی کند. بعد از اطلاع به وی، کارفرما می تواند تهیه صورت وضعیت قطعی را به هزینه پیمانکار به مشاور خود واگذار نماید (تبصره بند ۱ ماده ۵۷).

۲. نوآوری مربوط به رفع عیوب توسط کارفرما و استحقاق دریافت هزینه آن

طبق تبصره بند ۳-۶۲ شرایط عمومی ۱۴۰۲، «چنانچه پیمانکار در موعد تحویل قطعی در محل کار حضور نیابد کارفرما و مشاور کارفرما نسبت به انجام تحویل قطعی کار اقدام می‌نمایند. در صورت وجود عیب و نقص در کارها، کارفرما می‌تواند رأساً اقدام به رفع عیوب و نواقص موجود در کار نموده و کار را تحویل قطعی نماید. پس از رفع نواقص، پیمانکار باید هزینه‌های انجام شده از سوی کارفرما را با لحاظ بالاسری به میزان ۱۵ درصد حداکثر ظرف مدت ۲۸ روز از تاریخ ابلاغ به وی، پرداخت نماید. درغیراین‌صورت، کارفرما حق دارد بدون نیاز به انجام تشریفات قضایی یا اخذ مجوز، طلب خود را بدون نیاز به مطالبه مجدد، از محل سپرده‌ها و تضمین‌های پیمانکار و یا سایر مطالباتی که پیمانکار از کارفرما دارد، وصول نماید. اگر مبالغ آنها تکافو نکند، موضوع از مراجع قضایی پیگیری خواهد شد. درهرحال، مسئولیت و هزینه رفع نواقص تا تاریخ تحویل قطعی بر عهده پیمانکار می‌باشد». این مساله که کارفرما رأساً استحقاق رفع نقص در این مرحله را دارد، امر نوینی است که در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ پیش‌بینی شده است و پیمانکار باید هزینه‌های این کار را متقبل شده و در صورت عدم‌پرداخت با ضمانت اجرای مربوطه روبه‌رو خواهد شد. این تاسیس جدید به‌شدت به‌ضرر پیمانکار و به‌نفع کارفرما است و از تاخیر در تحویل پروژه توسط پیمانکار جلوگیری کرده و مسئولیت پرداخت هزینه‌ها را نیز به‌صورت کاملاً قهری بر او بار خواهد کرد.

۳. نوآوری مربوط به اعتبار پیمان

در پایان این ماده بند ۶۴-۱-۲-۲ درج شده است که به‌کلی در سند قبلی موجود نبود. موضوع این بند حالتی است که در پایان مدت پیمان (مدت پیمان با احتساب تمدید)، کار پیمان به اتمام‌نرسیده‌باشد. دراین‌حالت، «کلیه مفاد پیمان همچنان دارای اعتبار بوده و از مسئولیت پیمانکار در انجام تعهداتش کاسته نمی‌شود و پیمانکار باید برنامه زمانی کارهای باقی‌مانده را به کارفرما ارائه نماید. درصورت تصویب برنامه زمانی توسط کارفرما، مدت پیمان مطابق برنامه زمانی مصوب، به‌دلیل قصور پیمانکار تطویل می‌شود. همچنین پیمانکار به تناسب تأخیر در تحویل موقت کار، ملزم به پرداخت خسارت تأخیر مطابق ماده ۶۶ به کارفرما می‌باشد.» بنابراین،

این بند با پیش‌بینی پرداخت خسارت توسط پیمانکار در صورت عدم‌تحويل به‌موقع کارهای به‌ضرر پیمانکار عمل‌کرده و به مسئولیت‌های وی افزوده است. به‌علاوه، در تبصره این بند به حق فسخ قرارداد توسط کارفرما در صورت نقض تعهد مستمر پیمانکار در انجام کارهای موضوع پیمان ازجمله انجام کارهای باقیمانده، مطابق ماده ۶۸ اشاره شده است که این مساله نیز به‌شدت به ضرر پیمانکار است.

۴. نوآوری مرتبط با تحويل زمین

موضوع جدید مطابق با ماده ۴۰ شرایط عمومی ۱۴۰۲، امکان فسخ پیمان برای کارفرما یا اخذ خسارت از پیمانکار در صورت تحويل‌نگرفتن به‌موقع زمین است. درواقع، «چنانچه علیرغم اعلام قبلی و کتبی کارفرما، پیمانکار بیش از ۲۸ روز از تاریخ تعیین‌شده در برنامه زمانی مقرر، برای تحويل‌گرفتن زمین تأخیر نماید، کارفرما می‌تواند طبق ماده ۶۸، پیمان را فسخ نماید. در صورت عدم‌فسخ پیمان بعد از مهلت ۲۸ روز، چنانچه پیمانکار پس از این مهلت، مبادرت به تحويل گرفتن زمین نماید، به تناسب روزهای تأخیر در تحويل زمین و به میزان درج‌شده در شرایط خصوصی مرتبط با ماده ۶۶ همان شرایط پیمانکار موظف به پرداخت خسارت به کارفرما می‌باشد».

۵. نوآوری مرتبط با تغییر کار

مبحث بعدی ماده مهم «تغییر کارها» موضوع مواد ۲۹ سند قدیم و ۴۹ شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ است. در وهله اول، افزایش مطلب مربوط به این ماده در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ خودنمایی می‌کند؛ به‌نحوی که در سند قبلی درحد یک صفحه به این موضوع اشاره شده است؛ در حالی که در این سند، این موضوع به‌طور مفصل و در سه صفحه بیان گردیده است. از آنجایی که «تغییر کار» بیشتر از جانب کارفرما مطرح است و در راستای اهداف وی از اجرای پروژه هست، صرف پیش‌بینی آن به‌طور کلی، امتیازی برای کارفرما تلقی‌شده است؛ اگرچه در دل این کلیت، بتوان مواردی را به‌طور جزئی یافت که منافع پیمانکار نیز در نظر گرفته شده باشد. موارد زیر در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ در مورد «تغییر کارها» برای اولین‌بار بیان شده‌اند:

- امکان درخواست انجام کار جدید از پیمانکار مطابق ماده ۱-۴۹ درحالی که در سند قبلی، تنها امکان کاهش، افزایش، حذف و تغییر کارها ذکر شده بود.
- مفهومی به نام «مهندسی ارزش»^۱ مذکور در ماده ۴۹-۲.
- تصریح به عدم امکان افزایش کارها بیش از ۲۵ درصد مبلغ پیمان در شرایط عمومی مزبور در صورتی که مطابق ماده ۲۹ سند قبلی «چنانچه دستور تغییر صادره از سوی کارفرما منجر به افزایش بیش از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان گردد، براساس مفاد ماده ۴۶ به پیمان خاتمه داده می شود.» و با توجه به ابتدای ماده ۴۶ که مقرر می دارد: «کارفرما می تواند بنابه مصلحت خود و بدون اعلام دلیل، در هر مقطعی پیش از تکمیل کار، از ادامه و تکمیل کار و اجرای پروژه صرف نظر کرده و به پیمان خاتمه دهد.» این ابهام در ذهن ایجاد می شود که ممکن است در صورت رضایت پیمانکار به افزایش بیش از ۲۵ درصد و عدم تمایل کارفرما به خاتمه بتوان شاهد تغییراتی بیش از ۲۵ درصد هم بود، مگر اینکه قائل به این باشیم که انتهای ماده ۲۹ به عنوان شرط نتیجه درج گردیده و خاتمه در چنین شرایطی قطعی است. به هر حال، این ابهام در سند ۱۴۰۲ از بین رفته و به هیچ وجه نمی توان تغییری بیش از ۲۵ درصد مبلغ اولیه را داشته باشیم.

۶. نوآوری در امکان ضبط اموال پیمانکار

از دیگر نوآوری هایی که به نفع کارفرما در بند ۳-۳-۲ ماده ۵۷ شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ لحاظ شده است، امکان ضبط اموال و دارایی های پیمانکار هست که در کارگاه موجود است. البته این مورد، ویژه حالت بدهکاری پیمانکار پس از تایید صورت وضعیت قطعی و عدم تکافوی سپرده ها و تضامین پیمانکار و سایر مطالبات است. مبنای این اختیار کارفرما، اعطای حق حبس به صورت یک طرفه از طرف پیمانکار به وی است.

۱ - مهندسی ارزش: تلاشی سازمان یافته که با هدف بررسی و تحلیل فعالیت های طرح در مراحل طراحی، اجرا، بهره برداری و نگهداری انجام می شود. این بررسی با استفاده از تجارب، ابتکارها و خلاقیت های متخصصان در جهت تحلیل کارکرد سیستم ها، عوامل، تجهیزات، تأسیسات، به منظور دستیابی به کارکرد پیش بینی شده با کمترین هزینه و با حفظ و یا ارتقای کیفیت و در کوتاه ترین زمان انجام می شود (نظام فنی و اجرایی کشور، اصلاحی ۱۳۹۰/۰۲/۱۱).

۷. نوآوری مرتبط با پیمانکاران جزء

ماده ۳۳ - ذیل فصل پنجم از سند مذکور که ناظر به تعهدات و مسئولیت‌های پیمانکار است - دربردارنده مفادی است که در سند قبلی، حرفی از آن به‌میان‌آورده نشده‌است و یکی از موارد ضعف این سند به‌شمار می‌رود؛ چراکه هرگاه با قرارداد پیمان روبه‌رو باشیم، مساله پیمانکاران جزئی و چگونگی روابط آنها با پیمانکار اصلی و نیز با کارفرما ناگزیر خواهد بود که این ضعف در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ به‌خوبی پوشش داده شده و درخصوص موارد اختلافی، حکم قابل‌اعمال بیان‌گشته‌است. ماده ۳۳-۱ و ۳۳-۲، مسئولیت اعمال پیمانکاران فرعی و خدمات انجام‌شده به وسیله آن‌ها و همچنین وظیفه ایجاد هماهنگی‌های لازم بین آن‌ها و کارفرما را به‌عهده پیمانکار اصلی گذاشته و ازاین‌جهت که کارفرما را علی‌رغم ذی‌نفع‌بودن وی در تمام قراردادهای فرعی با تک‌تک اشخاص واردشده به پیمان درگیر نمی‌کند، به‌نفع کارفرما عمل کرده‌است. از نکات قابل توجه ماده ۳۳-۶ و لزوم درج نام کارفرما به عنوان ذی‌نفع و مالک کل پروژه درتمامی قراردادهای منعقد فی‌مابین پیمانکار اصلی با پیمانکاران فرعی خود است که راه سوءاستفاده احتمالی پیمانکار از این قرارداد فرعی به نفع وی را می‌بندد. اهمیت و میزان تاثیر ماده ۳۳-۷، هنگامی مشخص می‌شود که پیمانکار، طرف قرارداد خارجی باشد که به‌موجب این ماده، شخص ملزم به‌رعایت محدودیت‌های مندرج در قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» شده‌است. هرچندکه واگذاری بخش‌هایی از پیمان به پیمانکاران یا فروشندگان ثانویه منع قانونی ندارد؛ اما به‌موجب ماده ۳۳-۸^۱، حق واگذاری کلی، بدین‌معنا که موقعیت قراردادی یکی از طرفین همراه با تمامی حقوق و تعهدات ناشی از آن به شخص ثالثی منتقل گردد (مقدم، ۱۳۸۶ ص. ۳) از پیمانکار سلب‌شده و درصورت تخلف از این مقرر، کارفرما حق فسخ پیمان را خواهد داشت. ماده بعدی ذیل همین بحث نیز راجع است به نحوه معرفی پیمانکاران جزء و حتی مهندسان، فروشندگان و طراحان به کارفرما و کسب موافقت وی دراین‌خصوص. یکی از مواردی که می‌تواند اخذ تاییدیه کارفرما را تسریع کند، ارائه گواهی‌نامه‌های معتبر و بین‌المللی در زمینه تخصصی فعالیت پیمانکار توسط اوست. این

۱ - درهرحال، واگذاری کل کارهای پیمان به پیمانکاران جزء مجاز نیست.

گواهی‌نامه‌ها و تاییدیه‌ها حاکی از توانمندی پیمانکار در حوزه مشخصی بوده است (گلدوست جویباری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳)؛ پس شایسته است حتی در صورت عدم الزام ارائه آن‌ها، پیمانکار مربوطه به این امر اقدام نماید. این مساله از آنجا که محدودیتی برای پیمانکار اصلی به جهت همکاری و واگذاری امور مربوطه به پیمانکاران فرعی ایجاد کرده است، علی‌رغم ماده ۳۳-۱ همین باب که پیش‌تر از آن بحث شد، تماماً به نفع کارفرماست.

۸. نوآوری مرتبط با اخذ تاییدیه از پیمانکار

کلیت ماده ۳۷ سند ۱۴۰۲ که مانند بسیاری از مواردی که برشمردیم از ابداعات همین سند است بر تایید یا به‌نوعی اقرار پیمانکار نسبت به آگاهی کامل از وضعیت جغرافیایی محل پروژه، دریافت تمام اسناد و مدارک و اطلاعات، وقوف کامل نسبت به قوانین سرزمینی محل فعالیت از جمله: مقررات گمرکی بیمه‌ای یا حتی ^۱ HSE و مواردی از این دست و قابل‌استماع‌نبودن ادعای عدم آگاهی نسبت به هریک از موارد فوق یا موارد مشابه در صورت بروز اختلاف یا تمایل کارفرما به فسخ پیمان استوار است. ماده ۳۷-۲۴ ناظر به اقرار پیمانکار نسبت به آگاهی از تمام فعالیت‌های مرتبط با فعالیت خود و به بیانی مربوط به بحث مهم «یکپارچه‌سازی»^۳ است.

۹. نوآوری مرتبط با قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس در معاملات دولتی

نکته شایان‌توجه، شمول یا عدم‌شمول پیمانکار است ذیل «قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری» است که از قوانین مهم و تاثیرگذار در اقتصاد و صنعت کشور به‌شمار می‌رود. در صورتی که پیمانکار از جمله اشخاص مقرر در ماده ۱ قانون مذکور باشد و سوءنیتی از جانب وی به جهت عدم‌افشای این مهم احراز شود، به موجب ماده ۳۷-۷-۱ این سند، این عدم‌افشا، نوعی شرط فاسخ تلقی‌شده و از تاریخ اطلاع از آن، پیمان باطل تلقی و تمام تضمینات پیمانکار اعم از انجام تعهد و حسن انجام تعهد به نفع کارفرما ضبط

۱- Health, Safety and Environment

۲- از مشخصات و ماهیت کلی پروژه و کارهای در دست اجرا به وسیله کارفرما و سایر پیمانکاران وی که در انجام موضوع پیمان به نحوی مؤثرند، آگاه است.

۳-Unitization

خواهد شد. چنانچه بعد از انعقاد پیمان، تغییراتی در شخصیت حقوقی شخص پیمانکار حادث شود که بتوان وی را از مصادیق اشخاص مذکور در قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری محسوب کرد، کارفرما بلافاصله حق فسخ پیمان را خواهد داشت.^۱ به موجب ماده ۳۷-۷-۳ پیمانکار وظیفه دارد این تغییرات را به اطلاع کارفرما برساند. اگر: ۱- مانع قانونی مدنظر طی ۲۸ روز رفع نشود و یا ۲- کارفرما احراز کند که پیمانکار در عدم‌اعلان خود تعمدی داشته است، حق خاتمه‌دادن به پیمان به‌صورت یک‌جانبه را خواهد داشت. ماده ۳۷-۹ به «بی‌قید و شرط بودن» تعهدات و مسئولیت‌های پیمانکار در برابر کارفرما تصریح کرده که نشان‌دهنده تعهد به نتیجه بودن هرگونه وظایفی است که طی این توافق بر عهده پیمانکار قرار گرفته‌است.

۱۰. نوآوری مرتبط با پرداخت صورت‌وضعیت‌های پیمانکار

مطابق با ذیل قسمت ۴ ماده ۳۳ قدیم که اهم مطالب آن در جزء ۵ قسمت ۲ ماده ۵۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲ تکرار شده است، کارفرما می‌تواند با وجود دلایلی از پرداخت صورت‌وضعیت به پیمانکار خودداری نماید. یکی از نوآوری‌های شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲، امکان عدم‌پرداخت صورت‌وضعیت جدید توسط کارفرما به دلیل وقوع اشتباه در بررسی و تایید صورت‌وضعیت‌های قبلی است. درواقع، از آنجایی که این پرداخت‌ها قطعی نیستند و جنبه موقتی دارند، اعتبار آنها نیز قابل‌خدشه است و درهرزمان که وجود اشتباهی در صورت‌وضعیت‌های تاییدشده و پرداخت‌شده قبلی احراز گردد، کارفرما می‌تواند از پرداخت صورت‌وضعیت جدید متناسب با مبالغ برآوردی ناشی از اشتباهات جلوگیری کند.

۱- ماده ۲۷-۷-۲: هرگاه پس از امضای پیمان تا تحویل موقت، تغییراتی در صاحبان سهام، میزان سهام، مدیران یا بازرسان شرکت پیمانکار به‌وجود آید که مشمول قانون مذکور گردد، کارفرما پیمان را مطابق ماده ۶۸ فسخ می‌نماید.

نتیجه‌گیری

هدف نهایی انعقاد هر قراردادی، اجرای صحیح و با کمترین اختلاف ممکن در زمان مقرر آن است. چالش‌های پیش‌آمده اخیر مرتبط با ناترازی انرژی در کشور و درک آن توسط آحاد ملت، نشان از اهمیت اجرای به‌موقع پروژه‌های مرتبط با صنعت نفت دارد. پروژه‌هایی که محصول آن، گرداننده چرخ سایر صنایع اعم از بزرگ و کوچک و تامین‌کننده انرژی مصرفی خانوارها هستند. لحظه‌ای درنگ نابجا در اجرای آنها، موجب خسارات میلیاردي به کشور و مانعی برای تحقق اهداف چندین‌ساله در راستای جهش تولید است. تفاوت موضوع و اهمیت قراردادهای حوزه صنعت نفت، اقتضا دارد تا شیوه مذاکره، اجرا و حتی حل اختلاف آن نیز با سایر قراردادهای متمایز باشد. در راستای تحقق این تمایز با در نظر گرفتن حقوق پیمانکاران فعال در این حوزه و استفاده از تجربیات اجرای قراردادهای پیشین، بازنگری درجهت بهبود و افزایش کارایی اقتصادی این قراردادهای، حیاتی است. بی‌شک، منافع کارفرما در این گونه قراردادهای، منافع مستقیم یک ملت در نسل کنونی و نسل‌های آینده است که بایستی به‌صورت حداکثری تامین گردد. متناسب با هدف تعیین شده برای پروژه‌هایی که به شیوه EPC توسط پیمانکار اجرا می‌شوند، کارفرما باید ابزار، اختیار و اقتدار لازم را از حین مذاکره تا پایان قرارداد داشته باشد. در سند مورد بحث این مقاله، بسیاری از ابزارها و اختیارات کارفرما و حقوق وی متناسب با اقتضائات بیان شده، به‌روز گردیده است و مواردی نیز برای رفع خلأهای قراردادی ابداع گردید.

این مطالعه نشان می‌دهد متصدیان امر نگارش و تصحیح اسناد همسان ازجمله سازمان برنامه و بودجه و وزارت نفت، به‌درستی بسیاری از چالش‌های پیش‌رو کارفرما را در اجرای پروژه‌های صنعت نفت شناسایی و درجهت کاهش آنها، راهکارهای مناسبی را پیش‌بینی کرده‌اند. افزایش حقوق و اختیارات کارفرما در اصلاحات و ابداعات اخیر، چشمگیر و متناسب با اهداف اجرای قرارداد است. گرچه نمی‌توان ادعا کرد که این میزان از تغییرات و ابداعات، تمام منافع کارفرما را در طول اجرای قرارداد تامین می‌کند؛ ولی نسبت به مفاد سند قبلی، بسیاری از موانع حذف و اختیاراتی اضافه شده است. در بسیاری از موارد در سند قبلی، حقی برای کارفرما در نظر گرفته شده بود؛ اما به دلیل ابهام در حدود و ثغور یا نحوه اجرای آن، مطلوبیتی در حسن

اجرای قرارداد نداشت و چه بسا، موجب اختلاف و تاخیر در انجام تعهدات طرفین می‌شد. رفع این ابهامات و شفاف‌سازی آنها در سند اخیر به تامین منافع کارفرما کمک قابل توجهی نمود.

باتوجه به تغییرات ایجادشده در شرایط عمومی پیمان EPC ۱۴۰۲، شاهد برخی اصلاحات و تغییرات سند به نفع کارفرما و وجود برخی نوآوری‌ها هستیم که به تامین منافع طرفین پیمان، بالاختص کارفرما کمک شایانی می‌نماید. مواردی مانند افزایش مهلت مربوط به اقدامات و تصمیم‌گیری‌های کارفرما که درخصوص افزایش مهلت صدور دستور تعلیق پیمان و معرفی نماینده کارفرما بروز و ظهور یافته‌است، ازجمله این تغییرات هست که منافع کارفرما را بیشتر در متن قرارداد تامین می‌کند؛ همچنین، افزایش زمان اعتبار تضامین پیمانکار، جلوگیری از فسخ یک‌طرفه پیمان توسط پیمانکار بدون مداخله نهاد حل اختلاف قراردادی، افزایش موارد فسخ قرارداد توسط کارفرما، کاهش محدودیت‌های کارفرما در خاتمه پیمان، ارائه گزارش کامل تاثیر تغییرات کار توسط پیمانکار، وابستگی خسارات ناشی از تاخیر پرداخت به پیمانکار به تغییر شاخص بهای کالاها، تعیین درصد هزینه‌های بالاسری کارفرما، عدم انتساب اقدامات خارج از حدود نماینده کارفرما به کارفرما براساس معرفی‌نامه کارفرما، تعیین دقیق شرایط تمدید پیمان، مسئولیت پیمانکار نسبت به پرداخت هزینه آزمایش‌های اضافی در صورت اثبات وجود عیب در انجام کارها ازجمله اصلاحات به نفع کارفرما در سند مزبور است؛ همچنین، در زمینه پرداخت صورت‌وضعیت‌های پیمانکار، امکان ضبط اموال وی، تعهدات و تکالیف پیمانکاران جزء، مسائل مربوط به تحویل زمین و تغییر کار و درنهایت رکن مشاور کارفرما، شاهد ابداعات و نوآوری‌هایی در این سند هستیم که هرکدام به‌تنهایی می‌تواند اجرای مطلوب پروژه را بهبود بخشد.

درنهایت، باید گفت علی‌رغم تمام اصلاحات و ابداعات ایجادشده به‌نفع کارفرما، نمی‌توان انتظار اجرای بهتر قراردادهای EPC را داشت؛ بدون آنکه در برابر هرکدام از حقوق و اختیارات اعطاءشده به کارفرما، موارد مرتبط به پیمانکار بررسی و تحلیل گردد. در صورتی‌که این موارد به‌صورت یک‌جانبه و غیرمنصفانه به کارفرما اختصاص یابد و درعوض این امتیازات، حق و اختیاری برای پیمانکاران در نظر گرفته نشود، هدف اساسی تمام این تغییرات که اجرای کامل و صحیح پروژه است، به‌دلیل عدم تعادل قراردادی و تخصیص ناعادلانه ریسک‌ها، محقق نخواهد

شد. بدیهی است اثبات این فرضیه، نیازمند بررسی، مطالعه، مقایسه و تحلیل کمی تغییرات و اصلاحات سند مزبور از منظر نتیجه‌بخشی پروژه در یک تحقیق مجزا خواهد بود.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ۱) حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۳). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری. تهران: تیسرا.
- ۲) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). اعمال حقوقی قرارداد-ایقاع. تهران: گنج دانش.
- ۳) متولی، احد و کافتری، سمانه (۱۳۹۹). آموزش جامع قراردادنویسی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

مقالات فارسی

- ۴) ایزانلو، محسن و شاهین، ابوالفضل (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شرط تضمین مسئولیت در قراردادهای فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۱۷».
- ۵) بهادری، شیرکو (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی قراردادهای EPC و EPCF در صنعت نفت ایران»، ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۶۵، صص ۹-۱۳.
- ۶) زبیدی، مریم (۱۳۹۸). «تعلیق قرارداد پیمان و آثار آن با رویکردی به شرایط عمومی پیمان»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، فقه و حقوق، ش ۱، دوره پنجم، صص ۱۷۱-۱۶۶.
- ۷) سلیمی، سیده شیدا؛ حاجیان، محمد مهدی و حمیدرضا علومی یزدی (۱۴۰۲). «بررسی توزیع ریسک‌های حقوقی قراردادی در اسناد EPC، کلید در دست وزارت نفت ایران»، نشریه ۵۴۹۰ و فیدیک، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- ۸) طجزلو، رضا و عبدی، صادق (۱۳۹۷). «مقایسه هیئت‌های حل و فصل اختلافات قراردادی وزارت نفت و نمونه قراردادهای بین‌المللی فیدیک»، نشریه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴ ش ۲.
- ۹) کاظمی نجف‌آبادی، عباس و بیات، زهرا (۱۳۹۵). «ماهیت تضمین‌های پیمانکاری و نحوه ضبط و شرایط مطالبه ضمانت‌نامه‌ها در حقوق ایران و قراردادهای نمونه فیدیک»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۲.
- ۱۰) گلابتونچی، ایرج و جعفرپور، کوروش (۱۴۰۲). «تحلیل حقوقی آثار مالی اقتصادی خاتمه و فسخ پیمان در قراردادهای پیمانکاری»، حقوق و مطالعات نوین بهار، شماره ۱۰، صص ۱-۳۰.

۶۲ فصلنامه حقوق اداری، سال دوازدهم، شماره ۴۱

۱۱) گلدوست جویباری؛ یاسر؛ صبحیه، محمدحسین؛ خداداد حسینی، سیدحمید؛ شاکری، اقبال و امیری، مجتبی (۱۳۹۶)، «شناخت منابع اعتماد کارفرما به پیمانکار برپایه ویژگی‌های قابلیت اعتماد پیمانکار»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۳۱.

۱۲) مقدم، عیسی (۱۳۸۶). «انتقال قرارداد»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴.

مقالات انگلیسی

۱۳) FIDIC Conditions of Contract for EPC/Turnkey Projects, ۲۰۱۷, SECOND EDITION

۱۴) Pritchard, Nigel and John Scriven, ۲۰۱۱. EPC contract and major project, Sweet & Maxwell, London

قوانین و مقررات

۱۵) نظام فنی و اجرایی کشور، اصلاحی ۱۳۹۰/۰۲/۱۱